

حداقل و حداکثر در زبان آلمانی

سلام دوستان ،

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به حداقل و حداکثر در زبان آلمانی و همچنین به تفاوت های دو فعل **aufbauen** و **erbauen** نیز بپردازیم.

من اعتقاد دارم که گرامر زبان آلمانی به هیچ عنوان سخت و دشوار نیست ، بلکه سخت و دشوار توضیح داده شده است.

نه تنها خود آلمانی ها بلکه فارسی زبان ها (اساتید محترم) آنرا به سختی و خیلی پیچیده توضیح میدهند. که در سایت de.alemani.de بنده تمام تلاش خودم را کرده ام که به زبان خیلی خیلی ساده و با استفاده از تجربیات و مطالعات در زمینه دستور زبان یا گرامر زبان آلمانی ، تمام آنها را در اختیار شما عزیزان قرار بدهم.

اما برویم سر وقت درس

در زبان آلمانی ما برای انجام هر کاری یا هر عملی یا هر چیزی ، لغت ، فعل ، قید و ... خودش را داریم. شاید در دیگر زبان ها نیز به همین صورت باشد ، اما در زبان آلمانی به صورت کاملاً دقیق مورد استفاده قرار میگیرد، ساده ترین مثال در این زمینه ، فعل رفتن است.

در فارسی : ما میگوییم میرویم . حال این رفتن با ماشین باشد یا با پای پیاده یا با اسب خیلی فرقی ندارد! اما در زبان آلمانی اینگونه نیست

gehen رفتن به پای پیاده

fahren رفتن با وسیله نقلیه

بعد هر کدام از آنها نیز پیشنهادهای نیز می توانند داشته باشند ، مثلاً :

abfahren شروع به رفتن کردن ، عزیمت کردن

abgehen از جا کنده شویم و جای قبلی را ترک کنیم در حالی که پای پیاده نیز هستیم.

در واقع فقط باید ما بدانیم که هر فعل دقیقاً برای چه موقعیتی و چه زمانی است!

به خاطر همین است که افعال آلمانی همواره داری پیشوند نیز می باشند و مبحث افعال جداشتنی پیش می آید.

چنانچه هنوز با افعال زبان آلمانی ، آشنایت ندارید ، پیشنهاد میکنم کامل ترین جزوه در زمینه افعال آلمانی را از لینک زیر مطالعه کنید.

جزوه افعال آلمانی (کلیک کنید)

البته این دقت و وسواس در انتخاب افعال برای قیدها نیز وجود دارد که ما در این درس می خواهیم به دو قید حداکثر و حداقل بپردازیم.

اما اگر در فرهنگ لغت به دنبال معنی حداقل در زبان آلمانی بگردیم ، با دو لغت زیر خواهیم رسید:

mindestens

اقلاً ، دست کم ، لااقل

zumindest

حداقل ، اقل ، دست کم ، لااقل

حال ما از کجا باید بدانیم ، کدام را در چه زمانی و در چه جایی استفاده کنیم؟

به مثال زیر توجه کنید :

Oje, ich komme mindestens eine halbe Stunde zu spät

ای وای من ، دست کمش نیم ساعت دیرتر میرسم

در مثال بالا اگر من از zumindest می خواستم استفاده کنم ، کاملاً اشتباه میشد جمله یا به قول آلمانی ها مناسب این جمله اصلاً نیست!

ولی مگر هر دوی اینها در فارسی معنی یکسانی نداشتند! پس چرا مناسب نیست!

شاید بخواهید به سر وقت duden بروید یا اینکه در اینترنت به دنبال تفاوت این دو بگردید! ولی چیزی خیلی دستگیرتان نمی شود! زیرا همانطور که در ابتدای این درس گفتم ، نه تنها خود آلمانی ها بلکه اساتید فارسی زبان نیز ، گرامر زبان المانی را خیلی خیلی پیچیده کرده اند تا جایی که خودشان هم دچار سر درگمی می شوند. (دستور زبان آلمانی پیچیده نیست! بلکه پیچیده توضیح داده شده است)

اجازه بدید من یکی از تجربیات خودم در این زمینه را در اختیارتان قرار بدهم.

همیشه و همواره یادتان باشد که در زبان آلمانی هر چیزی یا هر کاری لغت ، فعل ، قید و ... مربوط به خودش را دارد.

خیلی خیلی ساده اینکه : در زبان آلمانی ما چند نوع حداقل داریم ، چند نوع حداکثر

که این موضوع در ارتباط با (تا) نیز بود.

در درس زیر می توانید به مفهوم (تا) در زبان آلمانی پی ببرید:

جروء مفهوم (تا) در زبان آلمانی (کلیک کنید)

خب برگردیم به درس ، ما چگونه پی ببریم کدام یک از حداکثر یا حداقل ها را باید استفاده کنیم ???!

هرگاه حداقل عددی را بخواهیم بگوییم از mindestens استفاده میکنیم

مثلا : حداقل ۱ ساعت دیگر ، حداقل ۵ دقیقه دیگر ، حداقل یک روز دیگر ، حداقل ۱۴ درجه سانتی گراد و ...

هرگاه حداقل کاری یا امکان یا موقعیتی را بخواهیم بکار ببریم به سر وقت zumindest میرویم.

مثلا : حداقل می بایستی معذرت خواهی میکرد ، حداقل می بایستی کاری میکرد ، حداقل باید چیزی میگفت و ...

به همین سادگی ۴

چند مثال :

Es dauert **mindestens 3** Stunden

آن **اقلاً ۳** ساعتی به طول می انجامد.

اون **دست کم ۳** ساعتی طول میکشه

حداقلی که در آن عدد وجود داشت (سه ساعت)

Oje, ich komme **mindestens eine halbe Stunde** zu spät

ای وای من ، **دست کمش نیم ساعت** دیرتر میرسم

حداقلی که در آن عدد وجود داشت (eine halbe Stunde)

Die Uhr ist **mindestens 100 €** wert

این ساعت **اقلاً ۱۰۰ یورو** ارزش دارد.

این ساعت **دست کم ۱۰۰ یورو** می‌ارزد.

Ich kann jedoch **zumindst eine mögliche Erklärung** anbieten

البته می‌توانم **حداقل یک توضیح امکان پذیر را** پیشنهاد بدهم

البته می‌توانم **کم کم اش یک توضیح امکان پذیر را** پیشنهاد بدهم

نکته : اگر چه در مثال بالا eine آمده است و شاید بشود به جای عدد حسابش کرد اما توجه داشته باشید که گفتیم هرگاه حداقل کاری را بخواهیم بگوییم به سروقت **zumindst** می‌رویم. حداقل کاری که می‌توانم من انجام بدهیم این است که یک توضیح قابل اجرا و امکان پذیر را عرضه کنم! پس در اینجا ما باید از **zumindst** استفاده کنیم زیرا من یک توضیح قابل اجرا را می‌خواهم بیان کنم و عددی مانند یک روز ، یک ساعت یا یک هفته و ... در آن وجود ندارد!

zumindst hätte er sich entschuldigen müssen

حداقل می‌بایستی او معذرت خواهی کند!

zumindst برای اینکه حداقل کاری که می‌توانست او انجام بدهد ، یک معذرت خواهی خشک و خالی بود!

اما اگر به سر وقت حداکثر برویم باز به دو قید زیر رو به روی می‌شویم :

höchstens حداکثر ، کاربردی دقیقاً همانند **mindestens** دارد.

maximum حداکثر ، کاربردی دقیقاً همانند **zumindst** دارد.

دو مثال برای درک بیشتر :

Ich werde **höchstens in 10 Minuten** wieder hier sein

من حداکثر تا 10 دقیقه دیگر دوباره اینجا خواهم بود.

از آنجایی که عدد وجود داشت (حداکثر تا ۱۰ دقیقه) به سر وقت **höchstens** رفتیم.

توجه داشته باشید که **maximum** را با **maximal** اشتباه نگیرید ، در واقع **maximal** از زبان انگلیسی وارد آلمانی شده است و از نظر مفهومی و کاربردی همانند **höchstens** می باشد.

Wie lange braucht ein Brief? - Maximal zwei Tage

یک نامه چه مدت یا چه قدر زمان نیاز دارید؟ حداکثر دو روز

Wie schwer darf der Brief sein? - Maximal 20g

چقدر اجازه دارد آن نامه وزن داشته باشد؟ حداکثر ۲۰ گرم

حال اگر بخواهیم از حداقل و حداکثر تاریخی استفاده کنیم یعنی حداکثر تا فردا یا حداکثر تا ۱۲.۸.۲۰۱۸ یا اینکه حداقل تا ماه آینده یا حداقل تا 12.8.2018 و ... آنگاه باید به سر وقت دو قید **frühestens** و **spätestens** میرویم

چند مثال برای درک بیشتر :

Ich kann Ihnen **frühestens morgen** eine Antwort geben

من می توانم به شما **حداقل یا دست کم** تا **فردا** یک جوابی بدهم.

Ich kann Ihnen **spätestens übermorgen** eine Antwort geben

من می توانم به شما **حداکثر تا پس فردا** یک جوابی بدهم.

خلاصه :

höchstens <-> mindestens حداقل و حداکثر برای اعداد ، مانند : یک روز دیگر ، ۵۰ یورو ، دو ساعت دیگر ، ۵ درجه سانتی گراد و ...

maximum <-> zumindest حداقل و حداکثر برای انجام کاری ، مانند : حداقل یک معذرت خواهی خشک و خالی ، حداکثر توان را گذاشتن!

spätestens <-> frühestens حداقل و حداکثر زمانی یا تاریخی ، مانند : حداقل تا فردا ، حداکثر تا پس فردا ، حداقل تا تاریخ 12.8.2018 یا حداکثر تا تاریخ 12.8.2018 و ...

اما دو فعل erbaut و aufbaut

erbauen

ساختن ، بناکردن

گذشته ساده : erbauten

گذشته کامل : haben/sind erbaut

aufbauen

از نو ساختن

گذشته ساده : aufbauten

گذشته کامل : haben/sind aufgebaut

البته افعال گفته شده معانی و کاربردهای دیگری نیز دارند که در این درس به آنها نخواهیم پرداخت!

چند مثال به همراه توضیحات :

Zerstörte Häuser wieder **aufbauen**

خانه های ویران را دوباره **از نو بنا کردن**

Nach dem Zweiten Weltkrieg wurde Köln schnell wieder **aufgebaut**

بعد از جنگ جهانی دوم شهر کلن به سرعت دوباره **از نو بازسازی** شد.

Rom ist **nicht** an einem Tage **erbaut**

Rom ist **nicht** in einem Tage erbaut

شهر رُم در یک روز **بنا نشده است**

برای بدست آوردن هر چیزی باید وقت گذاشت

ضرب المثل : نا برده رنج گنج مسیر نمی شود.

خلاصه :

هرگاه چیزی وجود نداشته باشد و ما بخواهیم تازه شروع به ساختن آن کنیم از **erbauen** استفاده می کنیم ولی اگر چیزی از قبل وجود داشته باشد حال به دلیلی ویران شده باشد و ما قصد داشته باشیم آنرا از نو بازسازی کنیم یا بسازیم ، می بایستی به سر وقت **aufbauen** برویم.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de